در روز بیستم جمادى الثانى 1320 هجرى قمرى مطابق با 30 شهریـور 1281 هجرى شمسى ( 21 سپتامپر 1902 میلادى) در شهرستان خمین از توابع استان مركزى ایران در خانواده اى اهل علـم و هجرت و جهاد و در خـانـدانـى از سلاله زهـراى اطـهـر سلام الله علیها، روح الـلـه المـوسـوى الخمینـى پـاى بـر خـاكدان طبیعت نهاد .

او وارث سجایاى آباء و اجدادى بـود كه نسل در نسل در كار هـدایـت مردم وكسب مـعارف الهى كـوشیـده انـد. پـدر بزرگـوار امام خمینـى مرحوم آیه الـله سید مصطفى مـوسـوى از معاصریـن مرحـوم آیه الـلـه العظمـى میرزاى شیـرازى (رض)، پـس از آنكه سالیانـى چنـد در نجف اشـرف علـوم و معارف اسلامـى را فـرا گرفته و به درجه اجتهـاد نایل آمـده بـود بـه ایـران بازگشت و در خمیـن ملجاء مردم و هادى آنان در امـور دینـى بـود. در حـالیكه بیـش از 5 مـاه ولادت روح الـلـه نمى گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حكومت وقت نداى حق طلبـى پـدر را كه در برابر زورگـوئیهایشان بـه مقاومت بـر خاسته بـود، با گلـوله پاسـخ گفـتـنـد و در مـسیر خمیـن به اراك وى را بـه شهادت رسانـدنـد. بستگان شهیـد بـراى اجراى حكـم الهى قصاص به .تهران (دار الحكـومه وقت) رهـسـپار شـدند و بر اجراى عـدالت اصـرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید

بدیـن ترتبیب امام خـمیـنى از اوان كـودكى با رنج یـتیـمىآشـنا و با مفهوم شهادت روبرو گردید. وى دوران كـودكـى و نـوجـوانى را تحت سرپرستى مادر مـومـنـه اش (بانـو هاجر) كه خـود از خاندان علـم و تقـوا و از نـوادگان مـرحـوم آیـه الـلـه خـوانسـارى ( صاحب زبـده التصانیف ) بوده است. همچنیـن نزد عمه مـكـرمه اش ( صاحبـه خانم ) كه بانـویى شجاع و حقجـو بـود سپرى كرد اما در سـن 15 سالگى از نعمت وجـود آن دو عزیز نیز محـروم گـردید.

هجرت به قـم، تحصیل دروس تكمیلى وتدریس علوم اسلامى

اندكـى پـس از هجرت آیه الله العظمـى حاج شیخ عبد الكریـم حایرى یزدى ـ رحـمه الله علیه ـ ( نـوروز 1300 هـجـرى شمسـى، مـطابق بـا رجب المـرجب 1340 هجـرى قمـرى ) امام خمینى نیز رهـسپار حـوزه علمیه قـم گردید و به سرعت مراحل تحصیلات تكمیلى علوم حـوزوى را نزد اسـاتید حـوزه قـم طـى كرد. كه مـى تـوان از فرا گرفتـن تـتـمـه مباحث كـتاب مطـول ( در علـم معانى و بیان ) نزد مرحوم آقا میـرزا محمـد علـى ادیب تهرانـى و تكمیل دروس سطح نزد مرحـوم آیه الـله سید محمد تقـى خـوانسارى، و بیشتر نزد مرحـوم آیه الـله سیـد عـلى یثربى كاشانى و دروس فـقـه و اصـول نزد زعیـم حـوزه قـم آیـه الـله العظمى حاج شیخ عبدالكریـم حایرى یزدى ـ رضـوان الـلـه علیهـم نام برد .

پـس از رحلت آیه الله العظمـى حـایـرى یزدى تلاش امـام خمینـى به همراه جمعى دیگر از مجتهدیـن حـوزه علمیه قـم به نـتیچـه رسیـد و آیه الله العظمـى(رض) به عنـوان زعیـم حـوزه عـلمیـه عازم قـــم گـردیـد. در این زمان، امام خمینـى به عـنـوان یـكـى از مـدرسیـن و مجتهدیـن صـاحب راءى در فـقـه و اصـول و فلسفه و عرفــان و اخلاق شناخته مى شد . حضرت امام طى سالهاى طولانى در حوزه علمیه قـم به تدریـس چندیـن دوره فقه، اصـول، فلسفه و عرفان و اخـلاق اسـلامى در فیضیه، مسجـد اعظم، مسجـد محمـدیه، مـدرسه حـاج ملاصـادق، مسجد سلماسى، و ... همت گماشت و در حـوزه علمیه نجف نیز قریب 14 سال در مسجـد شیخ اعطـم انصــــارى (ره) معارف اهل بیت و فـقـه را در عالیترین سطـوح تدریـس نمود و در نجف بـود كه بـراى نخـستیـن بار .مبانـى نظرى حكـومت اسلامـى را در سلسله درسهاى ولایت فـقیه بازگـو نمود.

امـام خمینـى در سنگـر مبـارزه و قیــام

روحیه مبارزه و جهاد در راه خـدا ریـشـه در بینـش اعـتـقـادى و تربیت و محیط خانـوادگى و شرایط سیـاسى و اجـتماعى طـول دوران زندگى آن حضرت داشـتـه است. مـبارزات ایـشان از آغاز نـوجـوانـى آغـاز و سیـر تكاملى آن به مـوازات تكـامـل ابـعاد روحى و عـلمى ایـشان از یكـسـو و اوضاع و احـوال سیاسـى و اجتماعى ایـران و جـوامع اسـلامـى از سـوى دیگـر در اشكـال مخـتـلف ادامـه یـافـته است و در ســـال 1340 و 41 ماجراى انجمـنهاى ایالـتى و ولایـتى فرصـتـى پـدیـد آورد تا ایـشان در رهبـریت قیام و روحـانیـت ایـفاى نقـش كنـد و بـدیـن تـرتیـب قیـام سراسرى روحانیت و ملت ایـران در 15 خـرداد سال 1342 با دو ویـژگـى برجستـه یعنى رهـبرى واحد امام خمیـنى و اسلامـى بـودن انگیـزه ها، و شعارها و هدفهـاى قیام، سرآغـازى شـد بر فـصـل نـویـن مـبارزات مـلـت ایران كه بـعد ها تحت نام انقلاب اسلامى در جهان شناخـتـه و معرفـى شـد امام خمیـنـى خاطـره خـویـش از جنـگ بیـن المـلل اول را در حالیكه نـوجـوانى 12 ساله بـوده چنین یاد مـى كند : مـن هـر دو جـنـگ بیـن المللـى را یادم هست ... مـن كـوچـك بـودم لكـن مـدرسـه مى رفـتـم و سربازهاى شـوروى را در هـمان مركزى كه ما داشـتیـم در خـمیـن، مـن آنجا آنهـا را مى دیـدم و ما مـورد تاخت و تاز واقع مى شـدیـم در جـنـگ بیـن المـلـل اول. حضـرت امام در جایى دیگر با یاد آورى اسامى بـرخى از خوانیـن واشـرار سـتمگر كه در پناه حكـومت مـركـزى بـه غـارت اموال و نوامیـس مردم مى پرداختند مى فـرماید : مـن از بچگى در جـنـگ بـودم ... ما مـورد زلقـى هـا بـودیـم، مـورد هـجـوم رجـبعلیـهـا بــودیـم و خـودمان تفنگ داشتیـم و مـن در عیـن حالى كه تـقـریـبا شـایـد اوایـل بلوغم بود، بـچـه بودم، دور ایـن سنگـرهایى كه بـسـتـه بـود نـد در مـحل ما و اینها مى خـواسـتند هجـوم كـنند و غـارت كـنند، آنجا مى رفـتیــم سنگرها را سركشـى مى كردیـم كـودتاى رضا خان در سـوم اسفـند 1299 شمسـى كه بنابر گـواهـى اسـناد و مدارك تاریخـى و غیر قابـل خـدشـه بـوسیله انگلیـسها حـمایت و سازمانـدهـى شـده بـود هـر چـنـد كـه بـه سلطنت قاجاریه پایان بخشید و تا حـدودى حكـومت مـلوك الطـوایـفـى خـوانیـن و اشـرار پـاركنـده را محمـدود سـاخت اما درعـوض آنچـنـان دیكتاتـورى پدید آورد كه در سایـه آن هـزار فامیـل بر سرنـوشـت مـلـت مظلـوم ایـران حاكـم شدند ودودمان پهـلـوى به تنهایى عهـده دار نقـش سابق خوانین و اشرار گردید .

در چنینـى شرایطـى روحانیت ایران كه پـس از وقایع نهـضـت مشروطیت در تنگناى هجـوم بى وقـفـه دولتهـاى وقت و عـمال انگلیسى از یكـسو و دشمـنیهاى غرب باختگان روشنفـكر مـآب از سـوى دیگر قـرار داشت براى دفاع از اسـلام و حـفـظ موجـودیت خـویـش بـه تكاپـو افـتاد. آیه الـلـه العظمى حاج شیخ عـبدالـكریـم حایرى بـه دعـوت علماى وقت قـم از اراك به ایـن شهـر هجرت كرد واندكـى پـس از آن امـام خـمیـنى كه با بـهـره گیرى از استعداد فـوق العاده خـویـش دروس مقـدماتى و سطـوح حـوزه علمیه را در خـمیـن و ارا ك با سـرعـت طى كرده بود به قـم هجرت كـرد و عملا در تـحكیـم موقعیت حـوزه نـو تاسیـس قـم مـشاركـتى فعال داشت.

زمان چندانـى نگذشت كه آن حضرت در اعداد فضلاى برجـسته این حـوزه در عرفـان و فلسفه و فقه و اصـول شنـاخته شـد.

پـس از رحلت آیـه اللـه العظمى حایرى ( 10 بهمـن 1315 ه-ش ) حـوزه علمیه قـم را خطر انحلال تهـدید مى كرد. عـلماى مـتـعهـد به چاره جویى برخاستند. مدت هشت سال سرپرستى حـوزه علمیـه قـم را آیات عـظـام :

سید محمد حجت، سید صدر الدیـن صدر و سیـد محـمـد تقـى خـوانسارى -رضوان الـلـه علیهـم ـ بر عهده گرفتند. در ایـن فاصله و بـخصـوص پـس از سقوط رضاخان، شرایط براى تحقق مرجعیت عظمى فراهـم گردید. آیه الله العظمى بروجردى شخصیت علمى برجسته اى بـود كـه مـى تـوانست جانشین مناسبـى براى مـرحوم حایرى و حفـظ كیان حـوزه بـاشـد. ایـن پیشنهاد از سـوى شاگردان آیـه الـلـه حایرى و از جمله امام خـمیـنـى به سرعت تعقیب شـد. شخص امام در دعـوت از آیـه الـلـه بـروجردى براى هجرت به قـم و پذیرش مسئولیت خطیر زعامت حـوزه مجدانه تلاش كرد.

امام خمینـى كه با دقـت شـرایط سیاسـى جامعه و وضعیـت حـوزه ها را زیر نظر داشت و اطـلاعات خـویش را از طریق مطالـعه مـستمر كتب تاریخ معاصـر و مجلات و روزنـامـه هاى وقـت و رفـت و آمـد بـه تهـران و درك محضر بزرگانى همچون آیـه الـلـه مـدرس تكـمیل مى كرد دریافـته بـود كه تـنها نقـطـه امیـد بـه رهـایـى و نجات از شـرایط ذلت بارى كه پـس از شكست مشروطیت و بخصـوص پـس از روى كار آوردن رضا خان پدید آمده است، بیدارى حوزه هاى عـلمیـه و پیش از آن تضـمیـن حیات حوزه ها و ارتبـاط معنـوى مـردم بـا روحـانیت مـى بـاشـد.

امام خمینى در تعقیب هدفهاى ارزشمند خویش در سال 1328 طرح اصلاح اساس ساختار حـوزه علمیه را با هـمـكارى آیـه الـلـه مـرتضـى حایـرى تهیـه كرد و بـه آیـه الـلـه بـروجردى ( ره) پیشـنهاد داد. ایـن طرح از سوى شاگردان امام و طلاب روشـن ضمیر حـوزه مـورد اسـتقبال و حمایت قرار گرفت .

اما رژیـم در محاسباتـش اشـتـبـاه كرده بـود. لایحه انجـمـنـهاى ایالتى و ولایتى كـه به مـوجـب آن شـرط مسـلمان بودن، سوگـند به قرآن كریـم و مرد بـودن انـتخاب كـنـنـدگان و كاندیـداها تغییر مـى یافت در 16 مهـر 1341 ه - ش به تصـویب كـابیـنـه امیـر اسـد الـلـه علـم رسیـد. آزادى انتخابات زنان پـوششـى براى مخفى نگـه داشـتـن هـدفـهاى دیگر بـود.

حذف و تغییر دو شـرط نخـست دقیـقا بـه منظور قانـونـى كـردن حضـور عناصر بهایـى در مصـادر كـشـور انتخاب شـده بـود. چـنانكه قـبـلا نیـز اشاره شد پـشتیـبـانى شـاه از رژیـم صهیـونیـستـى در تـوسعه مناسبات ایران و اسرائیل شرط حمایـتهاى آمـریـكـا از شـاه بـود. نـفـوذ پیـروان مـسـلك استعـمـارى بهـائیت در قـواى سه گانه ایران ایـن شرط را تحقق مـى بخشید. امام خمیـنـى به هـمراه عـلماى بزرگ قـم و تهـران به محض انتشار خبر تصویب لایحه مـزبور پـس از تبادل نـظـر دسـت به اعـتـراضات همه جانبه زدند .

نقـش حضرت امام در روشـن ساختـن اهداف واقعى رژیـم شـاه و گوشـزد كـردن رسالت خطیر علما و حـوزه هاى علمیـه در ایـن شـرایـط بـسیـار مـوثـر وكارساز بـود. تلگرافـهـا و نامـه هـا سرگـشـاده اعـتـراض آمیز علما به شاه و اسـد الـلـه علـم مـوجى از حـمایـت را در اقـشار مخـتلف مردم برانگیخت. لحـن تلگرافـهـاى امام خمیـنـى به شاه و نخست وزیر تند و هشـدار دهنده بود. در یكـى از ایـن تلگرافها آمده بـود :

اینجانب مجددا به شما نصیحت مى كنـم كه بـه اطاعت خـداوند مـتعـال و قانـون اساسـى گردن نهید واز عواقب وخیـمـه تخلف از قـرآن و احـكام علماى ملت و زعماى مسلمیـن و تخـلف از قانـون اساس بـترسید وعـمـدا و بـدون مـوجب مـمـلكت را به خطـر نیـنـدازید و الا علماى اسلام درباره شمـا از اظهار عقیـده خـوددارى نخـواهنـد كـرد .

بدیـن ترتیـب ماجراى انجـمنهاى ایـالـتى و ولایـتـى تجربـه اى پیروز و گرانقدر براى ملت ایران بـویژه از آنجهـت بـود كـه طى آن ویـژگیـهـاى شخصیتـى را شناخـتـنـد كه از هر جهـت براى رهـبـرى امت اسلام شایسته بـود. باو جـود شكست شـاه در ماجـراى انجـمـنها، فـشـار آمریكـا بـراى انجـام اصلاحـات مـورد نظر ادامـه یافت. شـاه در دیـماه 1341 هجـرى شمسى اصـول ششگانه اصلاحات خویـش را بر شمرد و خـواستار رفـراندوم شد . امام خمینى بار دیگـر مراجع و عـلمـاى قـم را بـه نـشـست و چاره جویى دوباره فراخواند .

با پیشنهاد امام خمینى عیـد باسـتانـى نـوروز سـال 1342 در اعـتراض به اقدامات رژیم تحریـم شد. در اعلامیه حضـرت امام از انـقـلاب سـفیـد شاه بـه انقـلاب سیـاه تعـبیـر و هـمـسـویـى شـاه بـا اهـداف آمریكا و اسرائیل افـشا شده بود . از سـوى دیگـر، شـاه در مـورد آمادگى جامـعـه ایـران بـراى انجام اصلاحات آمـریكا به مـقامات واشـنگـتـن اطـمیـنان داده بـود و نام اصـلاحات را انقـلاب سـفیـد نهاده بـود. مخالـفت عـلما براى وى بسیار گران مىآمد .

امام خمیـنى در اجـتماع مردم، بى پروا از شخـص شـاه به عنـوان عـامل اصلـى جنایات و هـمـپیـمان بـا اسـرائیـل یاد مـى كـرد و مـردم را بـه قیام فرا مـى خـوانـد. او در سـخـنـرانى خـود در روز دوازده فـروردیـن 1342 شدیـدا از سـكـوت عـلماى قـم و نجف و دیگر بلاد اسلامى در مقابل جنایات تازه رژیـم انـتـقـاد كرد و فـرمـود : امـروز سكـوت هـمـراهى بـا دستگـاه جبـار است حضـرت امـام روز بعد ( 13 فروردیـن 42 ) اعلامیـه معروف خـود را تحت عنـوان شاه دوستى یعنى غارتگرى منـتـشر ساخت .

راز تاءثیر شگـفت پیـام امام و كـلام امـام در روان مخاطـبیـنـش كه تا مرز جانـبازى پیـش مـى رفت را بایـد در هـمیـن اصـالت انـدیشه، صلابت راى و صـداقت بـى شـائبه اش بـا مـردم جستجـو كـرد .

سال 1342 با تحریـم مراسـم عیـد نوروز آغـاز و با خـون مظـلـومیـن فیضیه خـونرنگ شد. شـاه بر انجام اصـلاحات مـورد نظـر آمـریكـا اصـرار مـى ورزیـد و امام خـمیـنى بر آگاه كردن مردم و قیـام آنـان در بـرابـر دخـالتهاى آمـریكـا و خیـانـتهاى شاه پـافـشـارى داشـت. در چهـارده فروردیـن 1342 آیـه الله العظمـى حكیـم از نجف طـى تلگـرافـهـایى بـه علما و مراجع ایران خـواستار آن شد كـه همگـى به طـور دسـتـه جمـعى به نجف هجرت كنند. این پیشنهاد براى حفـظ جان عـلما و كیان حـوزه ها مطرح شده بود .

حضرت امام بـدون اعـتـنا بـه ایـن تهـدیـدها، پاسخ تلگـراف آیـه الـلـه العـظـمى حكیـم را ارسال نمـوده و در آن تاكیـد كرده بـود كـه هـجـرت دسـتـه جمـعى علما و خالـى كـردن حـوزه علمیه قـم به مصلحت نیست .

امام خمیـنـى در پیامـى( بـه تایخ 12 / 2 / 1342 ) بـمناسـبـت چهـلـم فاجعـه فیـضیـه بـر همـراهـى عـلما و مـلت ایران در رویارویـى سـران ممـالك اسلامـى و دول عربـى بـا اسـرائیل غاصب تـاكید ورزید وپیمانهاى شـاه و اسـرائیل را محكـوم كرد .

قیام 15 خرداد

ماه محرم 1342 كه مـصادف با خرداد بـود فـرا رسید. امام خمینى از ایـن فـرصت نهـایت اسـتفاده را در تحـریك مردم بـه قیام عـلیـه رژیـم مستبد شاه بعمل آورد .

امام خمینى در عـصـر عاشـوراى سال 1383 هجرى قمـى( 13 خرداد 1342شمسى ) در مـدرسه فیضیـه نطق تاریخـى خـویـش را كه آغازى بر قیام 15 خرداد بود ایراد كرد .

در همیـن سخنرانى بـود كه امام خمیـنى بـا صداى بلند خطاب به شاه فرمـود : آقا مـن به شما نصیحت مـى كنـم، اى آقاى شـاه ! اى جنـاب شاه! مـن به تو نیصحت مى كـنم دسـت بـردار از این كارها، آقا اغـفـال مى كنند تو را. مـن میل ندارم كـه یـك روز اگر بـخـواهـند تـو بـروى، همه شكر كـنند ... اگر دیكـته مى دهند دسـتت و مى گـویند بخـوان، در اطـرافـش فكـر كـن .... نصیحت مرا بـشـنـو ... ربط ما بیـن شـاه و اسرائیل چیست كه سازمان امنیت مـى گـوید از اسرائیـل حرف نزنیـد ... مگر شاه اسـرائیلـى است ؟ شاه فـرمان خامـوش كـردن قیـام را صادر كـرد. نخست جمع زیادى از یاران امام خمینـى در شـامگاه 14 خرداد دستگیـر و ساعت سه نیمه شب ( سحـرگاه پانزده خـرداد 42 ) صـدها كماندوى اعـزامـى از مركز، منزل حضرت امـام را محاصره كردند و ایشان را در حالیكه مشغول نماز شب بـود دستگیـر و سـراسیـمـه بـه تهـران بـرده و در بازداشــتگاه باشگاه افـسـران زنـدانـى كـردنـد و غروب آنروز به زندان قـصر مـنتقل نمـودنـد . صـبحگاه پـانـزده خـرداد خبـر دستگیرى رهـبـر انقلاب بـه تهـران، مـشهـد، شیـراز ودیگـر شهرها رسیـد و وضعیتـى مشـابه قـم پـدید آورد .

نزدیكترین ندیم همیشگى شاه، تیمـسار حسیـن فردوست در خاطراتش از بكارگیرى تجربیات و همكارى زبـده ترین ماموریـن سیاسى و امـنیـتى آمریكا براى سركـوب قیام و هـمچنیـن از سراسیمگـى شاه و دربـار وامراى ارتـش وساواك در ایـن ساعـات پرده بـرداشـتـه و تـوضیح داده است كه چگـونه شـاه و ژنـرالهـایـش دیـوانه وار فرمان سركـوب صادر مى كردند .

امام خمینـى، پـس از 19 روز حبـس در زنـدان قـصـر بـه زنـدانـى در پـادگـان نظامـى عشـرت آبـاد منتقل شـد .

با دستگیرى رهبـر نهـضـت و كـشتار وحشیانه مـردم در روز 15 خـرداد 42، قیام ظاهرا سركوب شد. امـام خمینى در حبـس از پاسخ گفتـن بـه سئوالات بازجـویان، با شهـامت و اعلام ایـنكه هیـئـت حاكمه در ایـران و قـوه قضائیه آنرا غیر قـانـونـى وفـاقـد صلاحیت مـى داند، اجتـناب ورزیـد. در شامگاه 18 فـروردیـن سال 1343 بـدون اطلاع قـبـلى، امام خمینى آزاد و به قـم منتقل مـى شـود. بـه محض اطلاع مردم، شـادمـانى سراسر شهر را فرا مـى گیرد وجشنهاى باشكـوهى در مـدرسه فیـضیـه و شهـر بـه مـدت چـنـد روز بـر پا مـى شـود . اولیـن سالگـرد قیام 15خـرداد در سال 1343 با صـدور بیانیه مـشتـرك امام خمیـنـى و دیگر مراجع تقلید و بیانیه هاى جداگانه حـوزه هاى علمیه گرامـى داشـتـه شـد و به عنـوان روز عزاى عمـومـى معرفـى شـد.

امـام خمینـى در هـمیـن روز ( 4 آبـان 1343 ) بیانیـه اى انقلابـى صادر كرد و درآن نـوشـت : دنیا بـدانـد كه هر گرفـتارى اى كـه ملـت ایـران و مـلـل مسلمیـن دارنـد از اجـانب اسـت، از آمـریكاست، ملـل اسلام از اجـانب عمـومـا و از آمـریكـا خصـوصـا متنفــر است ... آمـریكـاست كه از اسـرائیل و هـواداران آن پشتیبـانـى مـى كنـد. آمریكاست كه به اسرائیل قـدرت مـى دهـد كه اعراب مسلـم را آواره كند. افشاگرى امام علیه تصـویب لایحه كاپیتـولاسیون، ایران را در آبان سـال 43 در آستـانه قیـامـى دوبـاره قرار داد .

سحرگاه 13 آبان 1343 دوباره كماندوهاى مـسلح اعـزامى از تـهـران، مـنزل امام خمیـنى در قـم را محاصره كـردنـد. شگـفـت آنـكه وقـت باز داشت، هـمـاننـد سال قـبـل مصادف با نیایـش شبـانه امام خمینـى بـود .حضرت امام بازداشت و بـه هـمراه نیروهاى امـنیـتى مـستقیما بـه فرودگاه مهرآباد تهران اعـزام و بـا یك فـرونـد هـواپیـماى نظامى كـه از قبل آماده شـده بـود، تحت الحـفـظ مامـوریـن امـنیـتى و نظامى بـه آنكارا پـرواز كـرد. عـصـر آنـروز سـاواك خـبـر تـبـعیـد امـام را بـه اتهام اقـدام علیه امنیت كشـور ! در روزنـامه ها مـنتـشـر سـاخت.

علیرغم فضاى خفقان موجى از اعتراضها بـه صـورت تـظـاهـرات در بـازار تهران، تعطیلى طولانى مدت دروس حوزه ها و ارسال طومارها و نامـه ها به سازمانهاى بیـن المللـى و مـراجع تقلیـد جلـوه گـر شد.

اقامت امام در تركیه یازده ماه به درازا كشید در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بـى سابقه اى بقایاى مقاومت را در ایران در هـم شكـست و در غیاب امام خمینى به سرعت دست به اصلاحات آمریكا پـسند زد. اقـامت اجبارىدر تـركیـه فـرصتـى مغـتـنـم بـراى امـام بـود تا تـدویـن كتـاب بزرگ تحـریـر الـوسیله را آغاز كند.

تبعیـد امـام خمینـى از تـركیه به عراق

روز 13 مهرماه 1344 حضرت امام به هـمـراه فرزنـدشان آیه الله حاج آقا مصطفـى از تركیه به تبعیدگاه دوم، كشـور عراق اعزام شدند . امام خمینى پس از ورود بـه بـغداد بـراى زیارت مرقـد ائـمه اطهار(ع) به شهــرهــاى كاظمیـن، سامـرا و كـربلا شتـافت ویك هـفـته بعد بـه محل اصلـى اقـامت خـود یعنـى نجف عزیمت كرد.

دوران اقامت طـولانـى و 13 ساله امام خمینى در نجف در شرایطى آغاز شد كه هر چند در ظاهر فشارها و محدودیـتهاى مستقیـم در حـد ایـران و تـركیه وجـود نـداشت اما مخالفـتها و كارشكـنیها و زخـم زبانهـا نـه از جـبـهـه دشمـن رویارو بـلكه از ناحیه روحانى نمایان و دنیا خـواهان مخفى شده در لباس دیـن آنچنان گـسترده و آزاردهنده بود كه امام با هـمـه صـبر و بـردبارى معروفـش بارها از سخـتى شرایط مبارزه در ایـن سالها بـه تلخى تمام یاد كرده است. ولى هیچیـك از ایـن مصـائب و دشـواریها نـتـوانـست او را از مـسیــرى كه آگـاهانه انتخاب كرده بود باز دارد .

امام خمینى سلسله درسهاى خارج فـقه خـویـش را با همه مخالفتها و كارشكنیهاى عناصر مغرض در آبان 1344 در مسجد شیخ انصارى (ره) نجف آغاز كرد كه تا زمان هجـرت از عراق به پاریـس ادامه داشت . حوزه درسى ایشان به عنـوان یكى از برجسته تریـن حوزه هاى درسى نجف از لحـاظ كیفیت و كمیت شـاگـردان شنـاخته شـد .

امام خمینـى از بدو ورود بـه نجف بـا ارسال نامـه ها و پیكـهایى بـه ایران، ارتباط خویـش را بـا مـبارزیـن حـفـظ نـموده و آنان را در هـر منـاسبـتـى بـه پـایـدارى در پیگیـرى اهـداف قیام 15 خـرداد فـرا مى خواند .

امام خمینى در تمام دوران پـس از تـبـعید، علیرغـم دشواریهاى پدید آمـده، هیچگاه دست از مبارزه نـكـشیـد، وبـا سخنـرانیها و پیامهـاى خـویـش امیـد به پیـروزى را در دلها زنـده نگـاه مى داشت .

امام خمینى در گفتگـویى با نمانیده سازمان الفـتـح فـلسطیـن در 19 مهر 1347 دیـدگاههاى خویش را درباره مسائل جهان اسلام و جهاد ملت فلسطین تشریح كرد و در همین مصاحبه بر وجوب اختصاص بخشى از وجـوه شـرعى زكات بـه مجـاهـدان فلسطینـى فتـوا داد .

اوایل سال 1348 اختلافات بیـن رژیـم شاه و حزب بـعث عراق بـر سر مرز آبـى دو كشـور شدت گرفت. رژیـم عراق جمع زیادى از ایـرانیان مقیـم این كشـور را در بـدتریـن شرایط اخراج كرد. حزب بـعث بـسیار كوشید تا از دشمـنى امام خمیـنى با رژیـم ایـران در آن شرایط بـهـره گیرد .

چهار سال تـدریس، تلاش و روشنگرى امام خمیـنـى تـوانسته بـود تا حـدودى فضاى حـوزه نجف را دگرگـون سازد. اینـك در سال 1348 علاوه بر مبارزین بیـشمار داخل كشور مخاطبین زیادى در عراق، لبـنان و دیگر بـلاد اسلامـى بـودنـد كه نهـضت امام خمینى را الگـوى خویـش مى دانستند .

امـام خمینـى و استمـرار مبـارزه ( 1350 ـ 1356 )

نیمه دوم سال 1350 اختلافات رژیـم بعثـى عراق و شاه بالا گـرفت و به اخراج و آواره شـدن بسیارى از ایرانیان مقیـم عراق انجامید. امام خمینى طـى تلگرافى به رئیـس جمهور عراق شدیدا اقدامات ایـن رژیـم را محكـوم نمود. حضرت امام در اعتراض به شرایط پیـش آمـده تصمیـم به خـروج از عراق گـرفت اما حكـام بـغداد بـا آگـاهـى از پیـامـدهـاى هجـرت امـام در آن شـرایط اجـازه خـروج ندادند سال 1354 در سالگرد قیام 15 خـرداد، مـدرسه فیضیه قـم بار دیگر شاهـد قیام طلاب انقلابـى بـود. فریادهاى درود بر خمینـى ومـرگ بر سلسله پهلـوى به مـدت دو روز ادامه داشت پیـش از ایـن سازمانهـاى چـریكـى متلاشـى شـده وشخصیتهاى مذهى و سیاسى مبارز گرفـتار زندانهاى رژیم بودند .

شاه در ادامه سیاستهاى مذهـب ستیز خود در اسفنـد 1354 وقیحـانه تاریخ رسمـى كشـور را از مـبداء هجرت پیامـبـر اسلام بـه مبداء سلطنت شاهان هخامنشى تغییر داد. امام خمینى در واكنیشى سخت، فـتوا به حرمت استفاده از تاریخ بـى پایـه شاهنشاهـى داد. تحریـم اسـتفـاده از ایـن مبداء موهـوم تاریخى هـمانند تحریـم حزب رستاخیز از سـوى مردم ایران اسـتقبال شـد و هر دو مـورد افـتـضاحـى براى رژیـم شاه شـده و رژیـم در سـال 1357 ناگزیـر از عقـب نشینـى و لغو تـاریخ شاهنشاهى شد .

اوجگیرى انقلاب اسلامى در سال 1356 و قیام مـردم

امام خمینـى كه بـه دقت تحـولات جارى جهان و ایـران را زیـر نظر داشت از فـرصت به دست آمـده نهـایت بـهـره بـردارى را كـرد. او در مرداد 1356 طـى پیامى اعلام كرد : اكنون به واسطـه اوضاع داخلى و خارجى و انعـكاس جنایات رژیـم در مجامع و مطـبـوعات خارجى فرصتى است كه باید مجامع علمى و فـرهـنگى و رجال وطـنـخـواه و دانشجویان خارج و داخل و انجمـنهاى اسلامى در هر جایـى درنگ از آن استفاده كنند و بى پرده بپا خیزند .

شهادت آیه الله حاج آقا مصطفى خمینى در اول آبان 1356 و مراسم پر شكـوهـى كه در ایران برگزار شـد نقـطـه آغازى بـر خیزش دوباره حـوزه هاى علمیه و قیام جامعه مذهـبى ایران بـود. امام خمینى در همان زمان به گـونه اى شگفت ایـن واقعه را از الطـاف خفیـه الهى نامیده بـود. رژیـم شاه با درج مقاله اى تـوهیـن آمیـز عـلیـه امام در روزنامه اطلاعات انتقام گرفت. اعتراض بـه ایـن مـقـاله، بـه قیام 19 دى مـاه قـم در سـال 56 منجـر شد كـه طى آن جمعى از طلاب انقلابـى به خـاك و خـون كشیـده شـدند . شاه علیـرغم دست زدن به كشتارهاى جمعى نتـوانست شعله هاى افروخته شده را خاموش كند .

او بسیج نطـامـى و جهاد مسلحـانه عمـومـى را بـعنــــوان تنها راه باقیمانـده در شرایط دست زدن آمریكا بـه كـودتاى نظامـى ارزیـابـى مى كرد .

هجرت امام خمینى از عراق به پاریس

در دیدار وزراى خارجه ایران و عراق در نیـویـورك تصـمیـم به اخراج امام خمینـى از عراق گرفته شـد. روز دوم مـهـر 1357 مـنزل امـام در نجف بـوسیله قـواى بعثـى محاصره گردیـدانعكاس ایـن خبـر با خشـم گستـرده مسلمانان در ایران، عراق و دیگـر كشـورها مـواجه شـد .

روز 12 مهر ،امام خمینى نجف را به قصد مرز كـویت ترك گـفـت. دولت كویـت با اشاره رژیـم ایـران از ورود امـام بـه ایـن كـشـور جلوگیـرى كـرد. قـبـلا صحـبـت از هجـرت امام بـه لبـنـان و یا سـوریه بـود امـا ایشان پـس از مشـورت با فـرزنـدشان ( حجه الاسلام حاج سیـد احمـد خمینـى ) تصمیـم بـه هجـرت به پاریـس گرفت. در روز 14 مهـر ایشان وارد پاریس شدند .

و دو روز بعد در منزل یكى از ایرانیـان در نوفـل لـوشـاتــو ( حـومـه پاریـس ) مستقـر شـدنـد. ماءمـوریـن كاخ الیزه نظر رئیـس جـمهـور فـرانسه را مبنـى بـر اجتناب از هرگـونه فـعـالیـت سیاسـى بـه امام ابلاغ كـردنـد. ایـشـان نیز در واكـنـشــى تنـد تصـریح كـرده بـود كه ایـنگونـه محدودیتها خلاف ادعاى دمكراسى است و اگر او ناگزیر شـود تا از ایـن فرودگـاه بـه آن فـرودگـاه و از ایـن كـشـور بـه آن كـشـور بـرود بـاز دست از هـدفهایـش نخـواهـد كشیـد .

امام خمیـنى در دیـماه 57 شـوراى انقلاب را تكشیل داد. شاه نیز پـس از تشكیل شـوراى سلطـنـت و اخـذ راى اعـتـماد بـراى كـابینه بختیار در روز 26 دیـماه از كشـور فـرار كـرد. خـبـر در شـهـر تهران و سپـس ایران پیجید و مردم در خیابانها به جشـن و پایكـوبى پرداختند

بازگشت امام خمینى به ایران

پس از 14 سال تبعیـد

اوایل بهمـن 57 خبر تصمیم امام در بازگشت بـه كـشور منتشر شد. هر كس كه مى شنید اشك شوق فرو مى ریخت. مردم 14 سال انتظار كشیده بـودنـد. اما در عیـن حال مردم و دوستان امام نگـران جان ایشان بـودند چرا كه هنوز دولت دست نشانده شاه سر پا و حكومت نظامى بر قرار بود. اما امام خمینى تصمیـم خویـش را گرفته و طى پیامـهـایى به مردم ایران گـفـته بـود مى خـواهد در ایـن روزها سرنـوشـت سـاز و خطیر در كنار مردمـش باشد. دولت بخـتیار با هماهنگى ژنرال هایزر فـرودگـاههاى كشـور را به روى پـروازهـاى خـارجى بست.

دولت بختیار پـس از چنـد روز تـاب مقـاومـت نیـاورد و ناگزیـر از پذیرفتـن خـواست ملت شـد. سرانجام امام خمینـى بامداد 12 بهمـن 1357 پـس از 14 سال دورى از وطـن وارد كشـور شـد . استقبال بـى سـابـقـه مـردم ایـران چنـان عـظیـم و غیـر قـابل انكـار بــود كه خبرگزاریهاى غربـى نیز ناگزیر از اعـتـراف شـده و مستـقـبـلیـن را 4 تا 6 میلیون نفر برآورد كردند .

رحلت امام خمینى

وصال یار، فراق یاران

امام خمینى هـدفها و آرمانها و هـر آنچه را كه مـى بایــست ابـلاغ كنـد ، گفته بـود و در عمـل نیز تـمام هستیـش را بـراى تحقق هـمان هـدفها بـكار گرفته بـود . اینك در آستـانه نیمه خـرداد سـال 1368 خـود را در آماده ملاقات عزیزى مى كرد كه تمام عمرش را براى جلب رضاى او صرف كرده بـود و قامتش جز در بـرابـر او ، در مـقابل هیچ قدرتى خـم نشده ، و چشـمانش جز براى او گریه نكرده بـود . سروده هاى عارفانه اش همه حاكى از درد فـراق و بیان عطـش لحظه وصال محبوب بـود . و اینك ایـن لحظه شكـوهمنـد بـراى او ، و جانــكاه و تحمل ناپذیر بـراى پیروانـش ، فـرا مـى رسید . او خـود در وصیتنامه اش نـوشـته است : با دلى آرام و قلبـى مطمئن و روحى شاد و ضمیرى امیدوار به فضل خدا از خدمت خـواهران و برادران مرخص و به سـوى جایگاه ابــدى سفر مى كنـم و به دعاى خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خداى رحمن و رحیـم مى خـواهـم كه عذرم را در كوتاهى خدمت و قصـور و تقصیر بپذیـرد و از مـلت امیدوارم كه عذرم را در كـوتاهى ها و قصـور و تقصیـرها بـپذیـرنـد و بـا قــدرت و تصمیـم و اراده بــه پیش بروند .

شگفت آنكه امام خمینـى در یكـى از غزلیاتـش كه چنـد سال قبل از رحلت سروده است :

انتظار فرج از نیمه خرداد كشم . سالها مى گذرد حادثه ها مى آید.

ساعت 20 / 22 بعداز ظهر روز شنبه سیزدهـم خـرداد ماه سـال 1368 لحظه وصال بـود . قــلبـى از كار ایستـاد كه میلیـونها قلــب را بـه نور خدا و معنـویت احیاء كرده بـود . بــه وسیله دوربین مخفـى اى كه تـوسط دوستان امــام در بیمارستان نصب شده بـود روزهاى بیمارى و جریان عمل و لحظه لقاى حق ضبط شده است. وقتى كه گوشه هایـى از حالات معنوى و آرامـش امام در ایـن ایـام از تلویزیون پخـش شـد غوغایى در دلها بر افكند كه وصف آن جــز با بودن در آن فضا ممكـن نیست . لبها دائمـا به ذكـر خـدا در حـركت بود.

در آخرین شب زندگى و در حالى كه چند عمل جراحى سخت و طولانى درسن 87 سالگى تحمل كرده بود و در حالیكه چندیـن سرم به دستهاى مباركـش وصل بـود نافله شب مى خـواند و قـرآن تلاوت مـى كرد . در ساعات آخر ، طمانینه و آرامشى ملكـوتـى داشـت و مـرتبا شـهادت بـه وحـدانیت خـدا و رسالت پیـامبـر اكرم (ص) را زمـزمه مـى كـرد و بـا چنیـن حــالتى بـود كه روحـش به ملكـوت اعلى پرواز كرد . وقتى كه خبر رحلت امــام منتشر شـد ، گـویـى زلزله اى عظیـم رخ داده است ، بغضها تـركیـد و سرتاسر ایران و همـه كانـونهایـى كـه در جـهان بـا نام و پیام امام خمینـى آشـنا بـودنـد یــكپارچه گـریستند و بـر سر و سینه زدنـد . هیچ قلـم و بیـانـى قـادر نیست ابعاد حـادثه را و امواج احساسات غیر قابل كنترل مردم را در آن روزها تـوصیف كند.

مـردم ایـران و مسلمانان انقلابى ، حق داشتـند اینـچنیـن ضجه كـنند و صحنه هایى پدید آورند كه در تاریخ نمونه اى بـدیـن حجم و عظـمت براى آن سراغ نداریـم. آنان كسـى را از دست داده بـودند كـه عـزت پـایمال شـده شان را بـاز گـردانده بود ، دست شاهان ستمگر ودستهاى غارتگران آمریكایى و غربـى را از سرزمینشان كـوتاه كرده بود ، اسلام را احیاء كـرده بــود ، مسلمیـن را عــزت بـخـشیـده بـــود ، جمهـورى اسلامـى را بـر پـا كـرده بـود ، رو در روى همـه قـدرتهاى جهـنمـى و شیـطانـى دنیا ایستاده بـود و ده سال در بـرابـر صـدها تـوطئه برانـدازى و طـرح كـودتا و آشـوب و فتنه داخلـى و خارجـى مقاومت كرده بود و 8 سـال دفـاعى را فـرمانـدهـى كرده بـود كه در جبهه مقابلـش دشمنـى قـرار داشت كه آشكارا از سـوى هر دو قـدرت بزرگ شرق و غرب حمایت همه جانبه مـى شـد . مردم ،رهبر محبـوب و مرجع دینـى خـود و منادى اسلام راستیـن را از دست داده بـودند .

شایـد كسانـى كه قـادر به درك و هضـم ایـن مفاهیـم نیستنـد ، اگـر حالات مردم را در فیـلمهاى مـراسـم تودیع و تشییع و خاكسپارى پیكر مطهر امام خمینـى مشاهده كنـنـد و خـبر مرگ دهها تـن كه در مقابل سنگینـى ایـن حادثه تاب تحمـل نیـاورده و قـلبـشان از كار ایستـاده بـود را بشنـوند و پیكرهایى كه یكـى پـس از دیـگرى از شـدت تـاثـر بیهوش شـده ، بر روى دسـتها در امـواج جمعیت به سـوى درمانگاهها روانه مى شـدند را در فیلمها و عكسها ببیننـد ، در تفسیر ایـن واقعیتها درمانده شوند .

امـا آنـانكه عشـق را مـى شنـاسنـد و تجـربـه كـرده انـد ، مشكلـى نـخواهند داشت . حقیقـتا مردم ایران عاشق امام خمینى بـودند و چـه شعار زیبا و گـویایى در سالگرد رحلتـش انتخاب كرده بـودند كه :

عشق به خمینـى عشق به همه خوبیهاست .

روز چهاردهم 1368 ، مجلس خبرگان رهـبـر تشكیل گردیـد و پـس از قرائت وصیتنامه امـام خمینى تـوسـط حضرت آیـه الله خامنه اى كه دو ساعت و نیـم طـول كشید ، بحث و تبـادل نظر براى تعییـن جانشینـى امام خمینـى و رهبر انقلاب اسلامـى آغاز شد و پـس از چندیـن ساعت سـرانجام حضرت آیـه الله خامنه اى ( رئیـس جمهور وقت ) كه خود از شـاگـردان امـام خمینـى ـ سلام الله علیه ـ و از چهره هاى درخشـان انقلاب اسلامـى و از یـاوران قیـام 15 خـرداد بـود و در تـمـام دوران نهضت امـام در همـه فـراز و نشیبها در جـمع دیگـر یــاوران انـقلاب جـانبـازى كرده بود ، به اتفاق آرا براى ایـن رسالـت خطیر بـرگـزیده شد . سالها بـود كه غـربیـها و عوامل تحت حمایتشان در داخل كشـور كه از شكست دادن امـام ماءیـوس شـده بـودند وعده زمان مرگ امـام را مى دادند .

اما هـوشمندى ملت ایران و انتخاب سریع و شایسته خـبرگان و حمایـت فـرزنـدان و پیـروان امـام همه امیدهاى ضـد انقلاب را بـر بـاد دادنـد و نه تنها رحلت امـام پایان راه او نبـود بلكه در واقع عصر امام خمینـى در پهـنه اى وسیعـتر از گـذشـته آغاز شده بـود . مگر اندیشه و خـوبى و معنویت و حقیقت مى میرد ؟ روز و شـب پانزدهـم خرداد 67 میلونها نفر از مردن تهران و سـوگوارانى كه از شهرها و روستاها آمـده بـودند ، در محل مصلاى بـزرگ تهـران اجتماع كردنـد تـا بـراى آخـریـن بـار با پیكر مطهر مـردى كه بـا قیـامش قـامت خمیـده ارزشها و كرامتها را در عصر سیاه ستـم استـوار كرده و در دنیا نهـضتـى از خـدا خواهى و باز گشت به فطرت انسانى آغاز كرده بود ، وداع كنند.

هیچ اثرى از تشریـفات بـى روح مـرسـوم در مراسـم رسمى نبـود . همه چیز، بسیجى و مردمى وعاشقانه بـود. پیـكر پاك و سبز پوش امـام بـر بـالاى بـلنـدى و در حلـقه میلیـونها نفـر از جمعیت مـاتـم زده چـون نگینى مى درخشید . هر كس به زبان خویـش با امامـش زمـزمه مى كرد و اشك مـى ریخت . سـرتاسـر اتـوبان و راههاى منتهى به مصلـى مملـو از جمیعت سیاهپوش بود .

پـرچمهاى عزا بـر در و دیـورا شهر آویخته و آواى قرآن از تمام مساجد و مراكـز و ادارات و مـنازل بگـوش مـى رسیـد . شـب كـه فـرا رسیـد هزاران شمع بیاد مشعلـى كه امـام افـروخـته است ، در بیابـان مصلـى و تپه هـاى اطـراف آن روشـن شـد . خـانـواده هـاى داغدار گرداگرد شمعـها نشسته و چشمانشان بر بلنداى نـورانـى دوخته شـده بود .

فریاد یا حسیـن بسیجیان كه احساس یتیمى مـى كـردنـد و بــر سـر و سینه مـى زدنـد فـضا را عـاشـورایـى كرده بـود . بـاور اینـكـه دیـگر صداى دلنشیـن امام خمینـى را در حسینیه جماران نخـواهند شنید ، طاقتـها را بـرده بـود . مـردم شـب را در كـنار پیـكـر امـام بـه صبـح رسانیدند . در نخستنى ساعت بامداد شانزده خــرداد ، میـلـونهـا تـن به امامت آیت الله العظمـى گلپایگانى(ره) با چشمانى اشكبار برپیكر امام نماز گذاردند .

انبـوهى جمعیت و شكوه حماسه حضـور مـردم در روز ورود امام خمینى به كشـور در 12 بهمـن 1357 و تـكـرار گسـتـرده تـر ایـن حماسـه در مـراسـم تشییع پیكر امام ، از شگفـتیهاى تـاریخ اسـت . خـبرگـزاریهاى رسمـى جهـانـى جمعیت استقبال كننده را در سال 1357 تا 6 میلیـون نفر و جمعیت حاضـر در مــراسـم تشییـع را تا 9 میلیـون نفر تخمیـن زدند و ایـن در حالى بـود كه طى دوران 11 سـاله حكومت امام خمینى بـواسطه اتحـاد كشـورها غربـى و شرقى در دشمنى با انـقلاب و تحمیل جنگ 8 ساله و صـدهـا تـوطـئه دیـگـر آنـان ، مردم ایـران سخـتیها و مشكلات فـراوانـى را تحـمـل كرده و عزیزان بى شمارى را در ایـن راه از دست داده بـودند و طـبعا مـى بـایـست بـتدرج خسته و دلسرد شـده باشنـد امـا هرگز اینچنیـن نشـد . نسل پرورش یـافـته در مكتب الـهى امام خمینى به ایـن فرمـوده امام ایـمان كامـل داشـت كه :در جهـان حجـم تحمل زحمـتها و رنجها و فداكاریها و جان نثـاریها ومحرومیتها مناسب حجـم بـزرگى مقصـود و ارزشمندى وعلـو رتـبـه آن است پـس از آنـكه مراسـم تـدفیـن به علت شـدت احسـاسات عـزاداران امـكان ادامـه نیافت ، طـى اطلاعیه هاى مـكرر از رادیـو اعلام شـد كـه مـردم بـه خانه هایشان بازگردند ، مراسـم به بعد مـوكـول شــده و زمــان آن بعـدا اعلام شد . براى مسئولیـن تـردیـدى نـبـود كه هر چه زمان بگذرد صـدها هزار تـن از علاقه مندان دیگر امـام كـه از شهـرهاى دور راهـى تهران شده اند نیز بر جمعیت تشییع كننـده افـزوده خـواهـد شـد ، ناگزیر در بعدازظهر همان روز مراسم تـدفین بـا همان احساسات و بـه دشـوارى انـجـام شـد كـه گـوشـه هـایـى از این مـراسـم بـوسیـله خبرنگـاران بـه جهان مخابره شـد و بدین سان رحلت امام خمینـى نیز همچـون حیاتـش منـشاء بیـدارى و نهضتـى دوباره شـد و راه و یادش جاودانه گردید چرا كـه او حقیـقت بـود و حقیقت همیشه زنـده است و فناناپذیر .